

نگاهی به نسخه خطی تاریخ محمدی

جمیل الرحمن*

نسخه خطی «تاریخ محمدی» مؤلفه محمد بهامدخانی؛ دارای ۴۸۲ برگ، ۱۷ سطر، اندازه: ۱۰/۷۵×۷، خط: نستعلیق، کتابت: ظاهراً در قرن هفدهم میلادی؛ در موزه بریتانیا، لندن زیر شماره Or. ۱۳۷ محفوظ است.^۱

تاریخ عمومی از زمان محمد^(ص) تا ۸۴۲ هجری با مراجعه خاص هند. آغاز: حمد موفور و ثنای نامحصور بر حضرت با عظمت الوهیت. لقب خانوادگی مؤلف از طرف نام پدر خود بهامدخان، سپس ملک الشکر ملک بهامد است. ما درباره احوالش از آثار خود او آگاهییم. او در خانه فیروزخان بن ملک تاج‌الدین ترک، پرورش یافت. او توسط غیاث‌الدین تغلق شاه امیر منتخب شد و بعداً به دست همان شاهزاده در سال ۷۹۱ هجری کشته شد.^۲

*- استادیار فارسی ذاکر حسین کالج، دهلی‌نو.

۱- ریو، چارلس: فهرست نسخه‌های خطی فارسی در موزه بریتانیا، موزه بریتانیا، لندن، شماره Or. ۱۳۷،

چاپ عکسی ۱۹۶۶ م، ج ۱، ص ۸۴

۲- رجو کنید بریگس: فرشته، ج ۱، ص ۴۶۶.

بعد از آن حادثه پسر وزیر دوباره کالپی (محمدآباد) را تعمیر کرد. آنجا او خود را مستقل کرد و نام ناصرالدین محمود شاه را به خود و عنوان وزیر را به برادر خود جنید خان اختصاص داد.

بهامدخان به عنوان فرمانده ارتشی خود را از دیگر لشکرها متمایز کرده بود و به همین خاطر هم در شهر ایرچ در بندیل کهند پاداشی دریافت کرد و بعد از چند سال، توسط سربازان ابراهیم شاه جونیور بیرون رانده شد.

مؤلف به اردو کشتی‌های مختلف علاقه داشت و توسط پدرش به فرماندهی ارتش گسیل شد و در آن لشکرکشی به پیروزی بسیار دست یافت.

عاقبت مرید شیخ یوسف بده شد و در یک حالت الهام، محمد^(ص) بر او ظاهر شدند و گفتند که دنیا را ترک کن و زندگی روحانی را بپذیر. پس از آن فراغتش را در نوشتن آثار موجود وقف کرد و اثر خود را به نام پیغمبر^(ص) «تاریخ محمدی» خواند. او این اثر را در سال ۸۴۲ هجری به اتمام رسانید.

تکمیل این نگارش در بعضی از جاهای مختلف مانند برگ ۹۰ الف، ۱۸۰ ب، ذکر شده است، ولی سال ۸۳۹ هجری بیشتر ظاهر می‌شود؛ خصوصاً در نیمه دوم اثر^۱.

مآخذ و منابع این تألیف مذکور، در برگ ۴۸۱ الف آمده است؛ مانند: طبقاتِ نصری، تاج المآثر، تذکره الاولیا. مطلع الانوار، خزینه الجلالی و تاریخ فیروزشاهی...

اگرچه در این تاریخ به خاندان پادشاهان محلی اهمیت کمی داده شده ولی ثبت آن ارزش زیادی دارد، به طوری که بر دوره گمنام تاریخ هند پرتو خاصی می‌افکند.

مؤلف از بیان تاریخها چشم‌پوشی کرده، ولی اشعار فراوانی را نقل نموده است؛ اگرچه اشعار خود را حتی الامکان ذکر کرده، اما معلوم می‌شود که او شاعر خوبی نبوده است.

۱- رجوع کنید: برگ ۳۰۸ ب، ۳۱۲ الف، ۴۲۷ الف.

- این تاریخ به چهار بخش تقسیم شده است که عبارت است از:
- ۱- تاریخ محمد (ص)، برگ ۱۰ ب؛ فشار و غم قبر. جایگاه روح بعد از مرگ، رستاخیز و روز داوری، برگ ۵۰ ب.
 - ۲- تاریخ خلفای راشدین برگ ۷۴ ب؛ ده مبشر، برگ ۷۹ ب؛ امرای بنی امیه برگ ۸۳ ب؛ خلفای عباسی برگ ۹۰ ب؛ احوال صوفیه برگ ۱۰۹ ب.
- تاریخ عباسی - معترفاً از طبقات ناصری گرفته شده است. بخش آخر از اوّس قرن شروع می‌شود و تا نیمه پایانی آن منحصرأً به صوفیان تعلق دارد که پی در پی مشتمل بر تسلسل تاریخی است:
- خواجه زکریا ملتانی، برگ ۱۳۸؛
- خواجه معین‌الدین سجزی، برگ ۱۴۰؛
- خواجه قطب‌الدین بختیار، برگ ۱۴۲؛
- خواجه فریدالدین گنج شکر، برگ ۱۴۴؛
- خواجه نظام‌الدین اولیا، برگ ۱۴۶؛
- خواجه نصیرالدین محمود اودهی، برگ ۱۴۸؛
- خواجه سیّد جلال‌الدین بخاری، برگ ۱۵۲؛
- برادر او خواجه سیّد صدرالدین راجو، برگ ۱۵۹؛
- خواجه اختیارالدین عمر ایرچ، برگ ۱۶۱؛
- خواجه جمال‌الدین شیخ یوسف بده ایرچ، برگ ۱۶۴.
- در پایان، نام صوفی و راهنمای روحانی مؤلف آمده و وفاتش ۸۳۴ هجری نوشته شده است.
- ۳- دوره طاهریان، برگ ۱۷۵ الف؛
 - دوره سامانیان، برگ ۱۸۰ الف؛
 - دوره دیلمیان، برگ ۱۸۹ الف؛

- دوره سبکتگین، برگ ۱۹۲ ب؛
دوره سلجوقیان، برگ ۲۰۷ ب؛
دوره سنجریان و اتابکان عراق، برگ ۲۲۵ الف؛ فارس، برگ ۲۳۰ الف؛ و نیشابور،
برگ ۲۳۴ الف؛
دوره پادشاهان کرد سوریه، برگ ۲۴۰ ب؛
دوره خوارزمشاهیان، برگ ۲۴۵ ب؛
دوره شنسابانیان غور، برگ ۲۶۰ الف؛ و تخارستان و بامیان، برگ ۲۸۹ ب؛ و
غزنین، برگ ۲۹۲ ب.
بخش پایانی، درباره وفات تاج‌الدین یلدوز است. بعد از این، درباره خراسان و
غزنین. تمام آن پیش از کتاب سوّم، برگ ۳۰۹ الف که خلاصه‌ای از طبقاتِ ناصری
است، ذکر شده است.
تاریخ تیمور و جانشینان او به نام خلیل سلطان و امیر شاهرخ، برگ ۳۰۴ الف و نام
آخرین پادشاه که گفته می‌شود حدوداً چهل سال بر تخت شاهی جلوس کرده بود.
او چون دیگر پادشاهان هند به عنوان اختیاردار کشور محسوب شده بود.
تاریخ چنگیز ملعون و مطرود و جانشینان او به طرف پایین برآکاخان و هم
از طبقاتِ ناصری با ضمیمه مختصر بر تاخت و تاز بعدی مغول در هند، برگ ۳۱۳
الف.
۴- سلسله پادشاهان هند؛ دوره اوّل با قطب‌الدین ایبک المعزّی شروع می‌شود و دوره
آخر با ناصرالدین محمود است، برگ ۳۳۰ ب - ۳۵۸ ب که از طبقاتِ ناصری
(طبقاتِ بیستم و بیست و یکم) گرفته شده است. مؤلف در مندرجات، هشت
سلطنت از تاریخ فیروزشاهی ضیاءالدین را تقلید کرده است.
غیاث‌الدین بلین، برگ ۳۵۹ الف؛
معزالدین کیقباد، برگ ۳۶۳ ب؛

جلال‌الدین خلجی، برگ ۳۷۱ ب؛

علاء‌الدین شاه خلجی، برگ ۳۸۰ الف؛

قطب‌الدین مبارک، برگ ۳۹۱ الف؛

غیاث‌الدین تغلق، برگ ۳۹۵ الف؛

محمد بن تغلق، برگ ۳۹۸ الف؛

کمال‌الدین فیروزشاه، برگ ۴۰۶ الف؛

مؤلف بیان می‌کند که ضیاء‌الدین تنها چهار سال اول سلطنت فیروزشاه و خاتمه آن یعنی ۷۵۵ هجری را ضبط کرده بود و برای اطلاعات دوره بعدی وی، به اشخاص موثق و نیز به افکار خود تکیه کرده است.

ادامه سلطنت فیروزشاه، برگ ۴۰۹ ب؛

تغلق شاه بن فتح خان بن فیروزشاه، ۷۹۰ هجری، برگ ۴۱۷ ب؛

ابوبکر بن ظفر خان بن فیروزشاه، ۷۹۱ هجری، برگ ۴۲۰ ب؛

و ناصرالدین محمد شاه بن فیروزشاه که در سال ۷۹۴ هجری بر تخت شاهی جلوس کرد. در این سلطنت، مؤلف چکیده‌وار چهار خاندان پادشاه محلی را که توسط امرای محمد شاه بنیاد شده بودند، ذکر می‌کند و آنها در زمان مقرر توسط ابراهیم شاه جونپور، احمد شاه گجرات، سلطان محمد نوه خضر خان دهلی و علاء‌الدین محمد شاه مالوه به نمایندگی رسیده بودند.

علاء‌الدین سکندر شاه بن محمد شاه، برگ ۴۳۱ الف؛

غیاث‌الدین محمد شاه، پادشاه آخر نسل فیروز شاه، برگ ۴۳۲ ب؛

ناصرالدین محمد شاه بن فیروز شاه بن ملک تاج‌الدین ترک، برگ ۴۳۶ ب؛ این فرمانده که تیول کالپی را نگهداری می‌کرد، در سال ۷۹۲ هجری آنجا را بنیاد نهاد. شهر محمدی را که محمدآباد گفته می‌شود، بعد از وفات غیاث‌الدین محمود، خودمختار



ساخت و حکومتش را با جنگهای موفق با همسایه هندوها توسعه داد. او در سال ۸۱۳ هجری درگذشت.

پسر او اختیارالدین عبدالمجاهد قادر شاه. برگ ۴۴۶ ب و سه پسر او در زمان وفات وی در سال ۸۳۵ هجری برای جانشینی و ارث با همسایه قدرتمند خود ابراهیم شاه جونپور و هوشنگ مالوه جنگ کردند. در پایان، جلال خان دوم توسط هوشنگ بر تخت گذاشته شد.

مبارک خان بن جنید خان بن فیروزجنگ بن ملک تاجالدین ترک برگ ۴۵۹ الف. مبارک خان برادر خود، دولت خان، و پدر خود، جنید خان، را به عنوان وزیر اداره ایالت کالپی جانشین کرده بود. او از پیشرفت جلال خان ناخرسند بود. او ایرچ را دوباره تعمیر کرد و در سال ۸۳۹ هجری خود را خودمختار کرد.

زندگی ملک الشکر ملک بهامد پدر مؤلف، برگ ۴۶۷ الف؛

نصیحت مؤلف به پسر خود ناصرالدین محمود، برگ ۴۷۶ الف؛

بیان علت تألیف و نتیجه اثر، برگ ۴۷۸ الف.

خطاط: حافظ بن شریف منصور.

فهرست مندرجات در قرن حاضر نوشته شده است که مشتمل بر هفت برگ است.

در آغاز نسخه، نام مؤلف به اشتباه محمد بهادر خان نوشته شده است.
